استدلال آیت‌الله سیستانی در نفی اتحاد آفاق و اثبات رؤیت هر بلد به روایت ابن راشد

(00:20)

دیروز حدیث را طبق نسخه وسائل و تهذیب چاپ نجف خواندیم؛

حمد بن الحسن باسناده، عن أحمد بن محمد بن الحسن، عن أبيه، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عيسى، عن أبي علي بن راشد قال: كتب إلي أبو الحسن العسكري عليه السلام كتابا وأرخه يوم الثلثا لليلة بقيت من شعبان وذلك في سنة اثنين وثلاثين ومأتين، وكان يوم الأربعاء يوم شك، فصام أهل بغداد يوم الخميس وأخبروني أنهم رأوا الهلال ليلة الخميس، ولم يغب إلا بعد الشفق بزمان طويل، قال: فاعتقدت أن الصوم يوم الخميس وأن الشهر كان عندنا ببغداد يوم الأربعاء، قال: فكتب إلي زادك الله توفيقا فقد صمت بصيامنا، قال: ثم لقيته بعد ذلك فسألته عما كتبت به إليه، فقال لي: أو لم أكتب إليك إنما صمت الخميس والا تصم إلا للرؤية. **[1]**

«كتب إلي أبو الحسن العسكري عليه السلام كتابا وأرخه يوم الثلثا لليلة بقيت من شعبان وذلك في سنة اثنين وثلاثين ومأتين»؛ سال دویست و سی و دو که حضرت در مدینه تشریف داشتند. **«وكان يوم الأربعاء يوم شك... إنما صمتُ الخميس والا تصم إلا للرؤية».**

شاگرد: «فاعتقدت أن الصوم يوم الخميس وأن الشهر كان عندنا ببغداد يوم الأربعاء»، یعنی دو اعتقاد داشته است. یکی اینکه روزه روز پنج شنبه است. و یکی اینکه اول ماه چهارشنبه بوده است.

استاد: اعتقاد داشته که روزه روزه پنج شنبه بوده یعنی چه؟

شاگرد: «فاعتقدت أن الصوم يوم الخميس».

استاد: همین را معنا کنید.

شاگرد: سوالم همین است.

استاد: اگر منظورتان این است، اصلاً بحث امروز من همین است. تا آخر کار بهدنبال همین هستیم. من میخواستم نظر شما را ببینم.

دیروز از کتاب الصوم حاج آقای شبیری نقل کردند. در فدکیه هم گذاشته بودند. من نگاه نکرده بودم. در همین صفحه فدکیه راجع به حدیث، مطلبی در کتاب الصوم آمده است. ولی قبلش عبارت کتاب «اسالة حول روية الهلال» صفحه16 را بخوانیم. بعد از اینکه حرف استادشان را در میکنند، میفرمایند:

> **و مهما یکن فالرأی فی انّصیام النبی صلیاللهعلیهوآله و الائمة علیهمالسلام و فطرهم انما کان وفق ما تقتضیه رویة الهلال فی بلدانهم او ما یقرب منها و ان کان الهلال فی واقع الحال قابلا للرویة من قبل ذلک فی بعض امکن البعیدة جدا کبلاد الشام و الحبشه[2]**

یعنی حرف استادشان که عدم لزوم اشتراک افق و اتحاد آفاق است، میگویند رویه معصومین این نبوده است. آنها طبق همان بلد خودشان عمل میکردند.

> **و من الروایات التی توکد ذلک معتبرة ابی علی ابن راشد... و وجه الاستشهاد بهذه الروایة هو تصریح الامام الهادی علیهالسلام فیها بانّ یوم الخمیس کان اول ایام رمضان عام ۲۳۲ للهجرة سواء فی بلد سکناه آنذاک و هو المدینة المنورة او فی بلد السائل و هو البغداد مع ان المقتضی الحسابات الفلکیة الدقیقة ان هلال رمضان کان قابلا للرویة بکل وضوح فی لیلة الاربعاء الموافق ۲۰ نیسان عام ۸۴۷ للمیلاد کان قابلا للرویة بکل وضوح فی لیلة الاربعاء فی معظم قارة الافریقیة و الامریکتین[3]**

«و من الروایات التی توکد ذلک»؛ بهوضوح میگوید که معصومین با بلاد دیگر و با آفاق دیگر کاری نداشتند و تنها به بلد خودشان کار داشتند؛ **«معتبرة ابی علی ابن راشد...»**؛ تعبیر معتبره ظاهراً بهخاطر پسر محمد بن الحسن است. **«قال کتب الیّابو الحسن»**؛ اینجا باز نسخه تهذیب غیر آقای غفاری است. تا آخر روایت. بعد میفرمایند **«و وجه الاستشهاد بهذه الروایة هو تصریح الامام الهادی علیهالسلام فیها بانّ یوم الخمیس کان اول ایام رمضان عام ۲۳۲ للهجرة سواء فی بلد سکناه آنذاک و هو المدینة المنورة او فی بلد السائل و هو البغداد»**؛ اول ماه پنج شنبه بوده است. به تصریح امام است که روز پنج شنبه اول رمضان است. **«مع ان المقتضی الحسابات الفلکیة الدقیقة ان هلال رمضان کان قابلا للرویة بکل وضوح فی لیلة الاربعاء»**؛ همان شبی که دوم الشک بوده. **«الموافق ۲۰ نیسان عام ۸۴۷ للمیلاد کان قابلا للرویة بکل وضوح فی لیلة الاربعاء فی معظم قارة الافریقیة و الامریکتین»**.

ببینید! از این روایت چطور حرف استاد را نفی کردند؟ میگویند آن شب، شک بوده. فردایش هم هلال بسیار بلند دیده شده. و الآن هم حسابات دقیقه میگوید آن سال همان شب چهارشنبه که در بغداد ندیدند و فردایش هلال را بلند دیدند، همان شب چهارشنبه در آفریقا و آمریکا بهوضوح دیده

می شده است. یعنی بخش الف سهمی بوده‌اند که دیده می شده است. و حال اینکه امام تصریح کردند پنج شنبه اول ماه است. اگر میزان بلد نبود، پنج شنبه اول ماه نبود. چون در آفریقا می‌دیدند. پس چون امام تصریح کردند که برای من و تو –یعنی در مدینه و بغداد- اول ماه پنج شنبه است، معلوم می‌شود با اینکه در همان شب در بلد دیگری که اشتراک افق ندارد می‌دیدند، برای آنها اول ماه بوده اما برای اینها نبوده است.

شاگرد: تصریح امام علیه‌السلام به اینکه پنج شنبه اول ماه بوده کجا است؟

استاد: ظاهراً از دو جا این تصریح را برداشت کرده‌اند. یکی اینکه فرموده‌اند «زادک الله توفیقا صمت بصیامنا». می‌فرمایند ما روزه گرفتیم؛ پنج شنبه را گرفتیم. و الّا اگر آن روز در آفریقا دیده می‌شد، امام نمی فرمودند صیام ما پنج شنبه است.

شاگرد: برای اهل مدینه ثابت نشده بود. لذا طبق استصحاب جلو رفته‌اند و پنج شنبه را روزه گرفتند.

استاد: یعنی «صمتَ بصیامنا منهجا». در پایان هم حضرت فرمودند «أ ولم اکتب الیک انما صمت الخمیس». این هم باز من پنجشنبه روزه گرفتم. قضیه تصریح را فرموده اند.

شاگرد۲: با این پیشفرض که نمی‌خواهد حکم ظاهری را بگوید تصریح است. اما ممکن است حضرت فرموده باشند به ظاهر عمل کنید.

استاد: ببینید در کتاب الصوم حاج آقای زنجانی جلد چهارم، صفحه چهارصد و بیست و سه، می‌فرمایند:

> **بررسی دلالت روایت مرحوم حکیم ظاهر این روایت را عدم اعتبار دیر غروب کردن هلال بعد از غیبوبت شفق، برای اثبات شب اول ماه بودن شب قبلی میداند و مرحوم خویی دلالت آن را صریح در نفی چنین اعتباری برای علامت مذکور داشته است. ولی به نظر ما حتی ظهور روایت در چنین معنایی ثابت نیست تا رسد به اینکه صریح در این معنا باشد.**

«مرحوم حکیم ظاهر این روایت را عدم اعتبار دیر غروب کردن هلال بعد از غیبوبت شفق میداند»؛ چون در مستمسک دارند که مخالف ظاهر است روایت ابن راشد. **«و مرحوم خویی دلالت آن را صریح در نفی چنین اعتباری برای علامت مذکور دانسته اند. ولی به نظر ما حتی ظهور روایت در چنین معنایی ثابت نیست تا رسد به اینکه صریح در این معنا باشد»؛** استادشان مرحوم آقای خوئی فرمودند که صریح است.

---

[1] وسائل الشیعة - ط الإسلامیة نویسنده : الشیخ حرّ العاملي جلد : ۷ صفحه : ۲۰۳

[2] اسالة حول رویة الهلال ص۱۶

[3] همان

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 15:10:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 15:34:22 توسط ... .